

# بازتاب نقش چهارباغ در قالی‌های باغی در غرب ایران با تأکید بر نمونه‌هایی از استان کردستان

دکتر محمد ابراهیم زارعی  
استادیار گروه باستان‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا

## چکیده

دیرینه است. آثار موجود نشانگر تداوم طرح و نقش فرش چهارباغی و ساخت چهارباغ در منطقه غرب است که پایدارتر از سایر نقاط ایران بوده و تا اواخر دوره قاجار ادامه یافته است. شواهد مربوط به این ایده، قالی‌هایی باقی مانده با نام قالی‌های شمال غرب ایران با طرح چهارباغی یا گلستان بوده که با چهارباغ‌هایی در غرب ایران و به‌ویژه در شهرهای بیجار و سنندج در استان کردستان قابل مقایسه است. نمونه‌های این چهارباغ‌ها تا پنج دهه گذشته به‌صورت کامل وجود داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد که بانیان و سفارش دهندگان چهارباغ و قالی‌های طرح گلستان از یک گروه اجتماعی بوده‌اند، و تصور می‌شود که آنها در زمره حاکمان محلی بوده باشند. در این نوشته به پیشینه چهارباغ، و قالی چهارباغی در استان کردستان، و ارتباط بین قالی چهارباغی و چهارباغ در استان کردستان پرداخته شده است.

باغ و قالی از قدیمی‌ترین پدیده‌های ایرانی‌ها در سیر تاریخ است. نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این که باغ و فرش ارتباطی تنگاتنگ با هم داشته‌اند. در ایران دست‌کم از دوره‌های هخامنشی و ساسانی در پیش از اسلام، و همچنین از دوره‌های ایلخانی، تیموری و به‌ویژه دوره صفوی آثار مهمی از چهارباغ‌های قدیمی به‌جا مانده است. به موازات باغ‌سازی به سبک چهارباغ، حضور قالی‌های طرح گلستان یا چهارباغی نیز در دوره‌هایی از تاریخ ایران پررنگ و چشمگیر است. هر چند که از قالی‌های چهارباغی اواخر دوره صفوی تعداد زیادی باقی نمانده، ولی نمونه‌های انگشت‌شمار موجود، گسترش این سبک قالی را که بازتابی از نقش چهارباغ است، نشان می‌دهد. نمونه‌هایی از قالی‌های با طرح چهارباغی در غرب ایران و به‌ویژه در کردستان وجود دارند که تعدادی از آنها اکنون زینت‌بخش موزه‌ها و کلکسیون‌های خصوصی در بیرون از مرزهای ایران هستند. با بررسی این نوع قالی‌ها و چهارباغ‌های این منطقه در خواهیم یافت که این ارتباط

**واژه‌های کلیدی:** قالی باغی، چهارباغ، گلستان، بهار خسرو، کردستان.

کلیم

فصلنامه  
علمی- پژوهشی  
انجمن علمی  
فرش ایران  
شماره ۱۹  
تابستان ۱۳۹۰

۴۳

## مقدمه

ایرانی‌ها را باید در زمره پدیدآورندگان باغ‌هایی با ساختار انتزاعی محسوب نمود. نگاه ایرانیان به باغ فراتر از توجه صرف به طبیعت بوده است. باغ برای آنان نشانه توجه و ژرف‌اندیشی در طبیعت و پدیده‌های آن محسوب می‌شده است. بنابراین قالی نیز نوعی باغ و یا بازتابی از باغ است که در میان فضاهای سرپیسته قرار گرفته است. ایرانیان با ذوق با بهره‌گیری از طبیعت و با استلیزه نمودن شکل طبیعی آن، باغ‌هایی با ساختاری ویژه پدید آوردند. در کنار آن به قالی نیز آن‌چنان شکل بخشیدند که تصور باغ را از طبیعت گرفته بودند. بنابراین در میان باغ‌ها و قالی‌ها، دو نمونه چهارباغ و قالی چهارباغی رابطه بیشتری با هم دارند. نشانه‌هایی وجود دارد مبنی بر این که این دو بی‌تأثیر از یکدیگر نبوده‌اند. پرسش نخست این است که کدام یک از این دو پدیده ایرانی بر دیگری تأثیر داشته است؟ پاسخ این که هر چند نمی‌توان به‌طور قطع بیان داشت که کدام نمونه قدیمی‌تر است، ولی به نظر می‌رسد که پیشینه باغ از قالی کهن‌تر باشد؛ بنابراین، طرح قالی چهارباغی بازتابی از چهارباغ است و این طرح از باغ به فرش راه یافته است. پرسش دوم این است که آیا می‌توان بر این نظر تأکید کرد که قالی‌هایی با طرح چهارباغی بر چهارباغ تأثیر گذار بوده‌اند؟ ظاهراً پاسخ این پرسش منفی است، چون از بین نمونه‌های به‌جای مانده از قالی‌های طرح‌های گلستان یا چهارباغی و چهارباغ‌ها، قدمت چهارباغ و باغ به مراتب بیشتر است.

در استان کردستان از دوره صفوی هم چهارباغ‌هایی و هم قالی‌هایی موسوم به قالی‌های شمال‌غرب وجود دارد. دو پدیده مذکور این پرسش را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا می‌توان آن‌ها را مربوط به یک بازه زمانی و یک منطقه محسوب نمود؟ در این منطقه چهارباغ و قالی‌های دارای

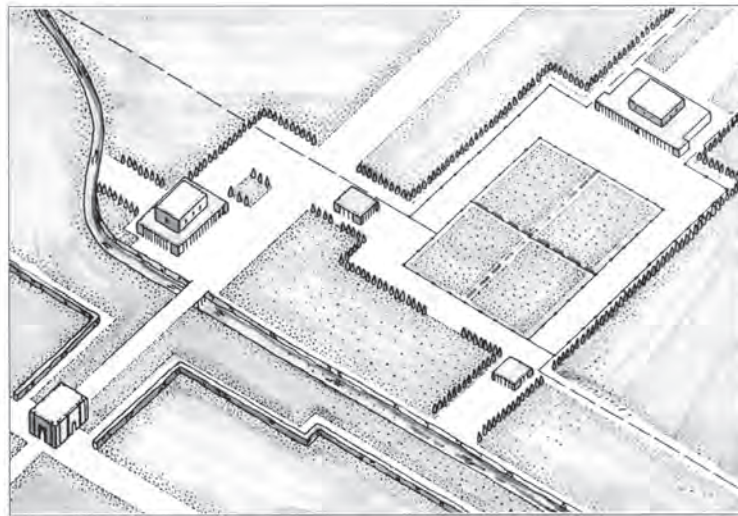
طرح چهارباغی در یک دوره پدید آمده است، قالی‌هایی که اکنون فقط تصویر آن‌ها را در کتاب‌های مرتبط با قالی و باغ‌سازی می‌بینیم و در مجموعه‌های خصوصی و موزه‌های خارجی قرار دارند. پرسش دیگر این است که آیا این قالی‌ها با چهارباغ‌ها مرتبط هستند یا خیر؟ به‌نظر می‌رسد که این قالی‌ها ارتباط تنگاتنگی با چهارباغ‌های محدوده مکانی محل بافت خود دارند. پرسش بعدی این است که آیا این قالی‌ها دارای طرح‌های چهارباغی می‌توانند با چهارباغ‌های منطقه مرتبط باشند یا خیر و این ارتباط چگونه بوده است؟ پاسخی که می‌توان به عنوان یک فرضیه آن را طرح نمود این است که قالی‌های دارای طرح چهارباغی و سازندگان باغ‌ها از ایده‌های واحدی بهره گرفته‌اند.

با در نظر گرفتن پرسش‌ها و فرضیه‌هایی که در بالا بدان‌ها اشاره شد می‌توان اذعان کرد نمونه‌های این قالی‌ها و چهارباغ‌ها تاکنون به‌طور کامل در مقایسه با یکدیگر مطالعه نشده‌اند؛ و غالباً در برخی از کتب به صورت پراکنده به آنها اشاره گردیده است. بنابراین می‌توان این موضوع را به‌طور جداگانه مطالعه نمود. این موضوع می‌تواند دریچه‌ای تازه برای پژوهش‌های جامع‌تر بگشاید.

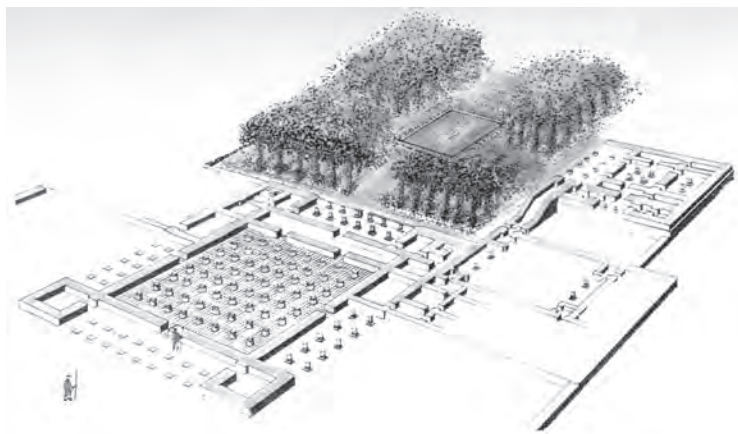
## پیشینه چهارباغ

نخستین چهارباغ در ایران که مدارک آن موجود و شناخته شده چهارباغ پاسارگارد دوره هخامنشی است (استروناخ، ۱۳۷۸؛ استروناخ، ۱۳۷۱، ۵۴-۷۵). اگر بپذیریم که منشأ این شیوه باغ‌سازی در شمال‌غرب ایران بوده و پارس‌ها در سیر حرکت و کوچ خود از شمال‌غرب به مرکز ایران این شیوه باغ‌سازی را هم با خود به آنجا برده‌اند، این نظر تقریباً مقرون به واقعیت خواهد بود. ایرانیان به باغی آسمانی باور داشتند که شباهتی به مینو یا بهشت داشته

است. آگاهی‌های ما مربوط به این باغ مینوی به شدت پراکنده است و فقط بخشی از تمثیل‌های زمینی آنها در دسترس است: فردوس، چنان‌که از معنی آن بر می‌آید باغی است محصور با چند حصار پشت سر هم؛ فردوس دارای سرچشمه آبی است، ازلی و ابدی به‌طوری که آب در آن همیشه جریان دارد و هیچ‌گاه قطع نمی‌شود. در فردوس انواع جانوران وحشی و اهلی و گیاهان، از بهترین انواع وجود دارند (حصوری، ۱۳۷۶: ۲۴۹). این ساختار آغازین احتمالاً به تدریج دگرگون شده است. در ادوار تاریخی بنا به سلايق و علايق باغ‌ها و چهارباغ‌هایی ساخته شده است. اوج و شکوه چهارباغ‌سازی پس از طی دو هزار سال، در چهارباغ پاسارگاد و سپس در زمان داریوش در شوش با ابعاد کوچک‌تر قابل مشاهده است (تصویر ۱ و ۲).



تصویر ۱: پرسپکتیو بازسازی شده چهارباغ و کاخ‌های پاسارگاد (مأخذ: استروناخ، ۱۳۷۱، ۶۵).

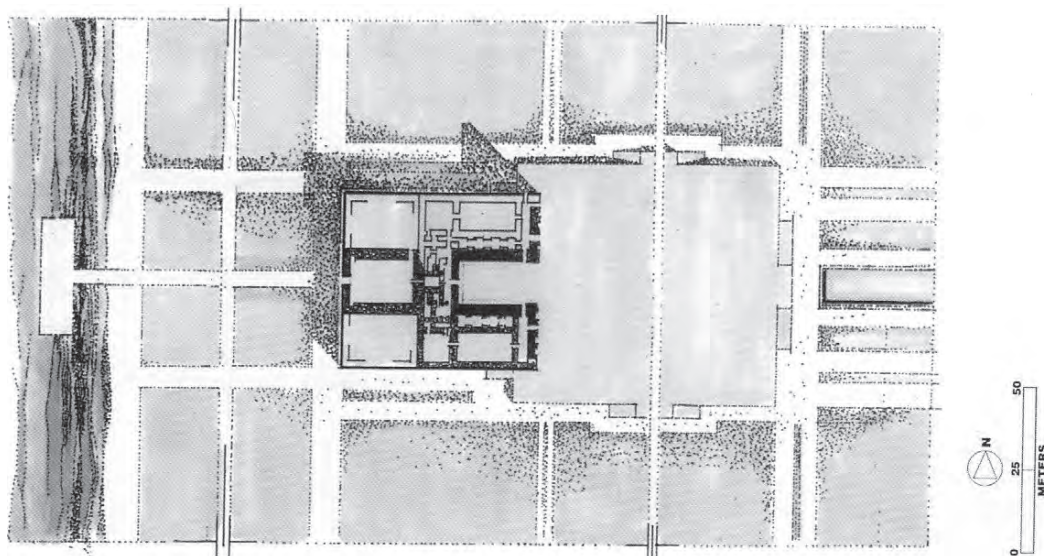


تصویر ۲: پرسپکتیو چهارباغ و کاخ‌های شوش (مأخذ: خوانساری، ۱۳۸۳، ۴۴).

و همچنین باغی در حوش کوری (حوش خانه) و در تاق بستان نزدیک کرمانشاه (Penelope, 2004, 65). باغ حوش کوری یا حوش خانه در برگیرنده حوضی با مسیرهای آب و کوشک‌های زیبا بوده است (نعیما، ۱۳۸۷، ۸). مدارک نشان می‌دهد که این باغ‌ها ساختاری چهارباغی داشته‌اند. به نظر می‌رسد که این وضعیت در بیستون دوره ساسانی هم تداوم یافته است و آثار آن تا اواسط قرن نوزدهم باقی مانده بود که کست و فلاندن از آن گزارش و طرحی به دست داده‌اند (خوانساری، ۱۳۸۳، ۱۵۵) و خود یک چهارباغ کامل است (تصویر ۳ تا ۵).

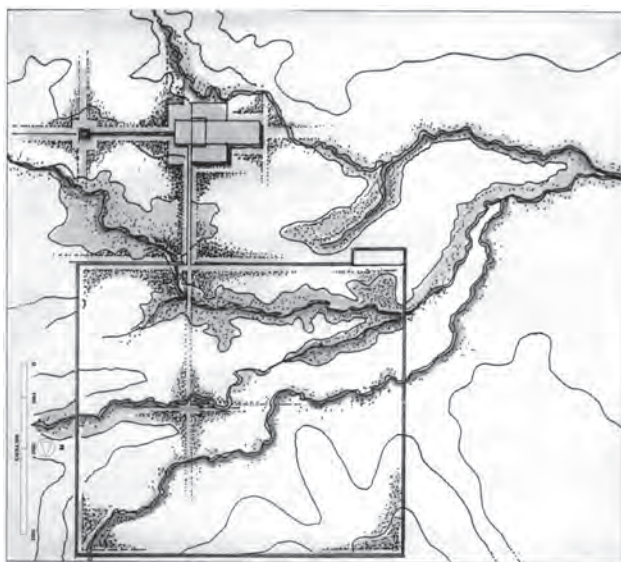
هرچند ساخت چهارباغ در دوره‌های اموی و عباسی با الهام از باغ‌سازی ساسانی تداوم یافت، ولی در دوره‌های ایلخانی و تیموری نشانه‌هایی از چهارباغ در شمال غرب ایران و به‌ویژه تبریز آشکار شده است. اوج چهارباغ‌سازی در ایران متأثر از دوره ساسانی و در دوره صفوی رخ داده است و این موضوع از شمال غرب به سوی مرکز گسترش

پس از دوره هخامنشی، چهارباغ‌سازی در دوره ساسانی در غرب ایران با ساختاری تازه در کاخ‌های ساسانی نمود یافت. نمونه‌های شاخص این سبک که تأثیری به مراتب فراوان بر قالی‌های گلستان به‌ویژه چهارباغی داشته است، در آثاری همچون باغ‌های کاخ تیسفون و حوش خانه (حوش کوری) در قصر شیرین نمایان است (Penelope, 2004, 65). قالی باغی که به «بهار خسرو» شناخته شده است، بر اساس یک الگوی هم‌گونه از باغ و کاخ کوروش بزرگ در پاسارگارد - که هزار سال قدیمی‌تر بوده - طراحی و بافته شده است. حرکت آب به سوی یک کوشک مرکزی در آن یک طرح چهارباغ را القاء می‌کند (Penelope: 62). خسرو پرویز با پیروزی‌هایی که به دست آورد، توجه ویژه‌ای به منطقه غرب و به‌خصوص زاگرس نمود؛ او در تپه‌های غرب زاگرس باغ‌های دیگری برای شیرین ساخت از آن جمله باغی در مقابل کاخ شیرین در شهر قصر شیرین



تصویر ۳: نقشه چهارباغ مقابل کاخ تیسفون در دوره ساسانی (مأخذ: خوانساری، ۱۳۸۳، ۵۵).





تصویر ۴: نقشه چهارباغ مقابل خوش کوری در قصر شیرین مربوط به دوره خسرو پرویز که در حدود یک‌صد هکتار وسعت داشته است (مأخذ: خوانساری، ۱۳۸۳، ۵۷).



تصویر ۵: نقشه چهارباغ توصیف شده توسط فالاندن و کست در بیستون که با حرف C مشخص شده است. این چهارباغ قابل مقایسه با چهارباغ ساخته شده در شهر سنج است که در دوره قاجار توسط حکام محلی اردلان ساخته شده است (مأخذ: خوانساری، ۱۳۸۳، ۵۱).

یافته و در مرکز ایران هم این موضوع کاملاً نمودار است. از جمله چهارباغ اصفهان و باغ فین کاشان که نمونه اخیر به طور کامل سالم باقی مانده‌اند. به همین دلیل دوره صفوی یکی از دوره‌های درخشان ساخت چهارباغ و بافت قالی‌های طرح چهارباغی است؛ گواه این ادعا وجود چهارباغ‌ها و قالی‌های چهارباغی این دوره است. به نظر می‌رسد این چهارباغ‌ها باید مشابه همان «بهار خسروانی» باشند. یعنی قالی تاریخی و جواهرنشان بهارستان یا بهار خسروانی که به گزارش برخی تاریخ‌نگاران ابعاد بزرگی داشته و ظاهراً در زمستان در کاخ تیسفون استفاده شده است (حشمتی رضوی، ۱۳۸۷، ۱۴۰-۱۴۴).

شواهد و مدارک نشان می‌دهد که چهارباغ‌سازی در منطقه کردستان از دوره صفوی آغازی دوباره داشته که از آن جمله می‌توان به ساخت چهارباغ‌هایی در شهر بیجار اشاره کرد که در آن آثاری از یک کوشک و باغ‌سازی با طرح چهارباغ قابل مشاهده بوده و اعتمادالسلطنه در کتاب مرآت‌البلدان به نیکی از آن یاد می‌کند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۷۰، ۱۹۰۶؛ دهخدا، لغتنامه). در ادامه این روند، به سال ۱۰۴۶ هـ ق در شهر سنندج و در زمان حکومت

شاه صفی به وسیله والیان اردلان چهارباغ بزرگی همراه با بناهای دیگری از جمله کهن‌دژ و بازار و سایر آثار ساخته شده است. این چهارباغ تا دوره قاجار سالم بوده پس از آن به محله‌ای به نام چهارباغ که اکنون هم همان نام را دارد، تبدیل شده است (زارعی، ۱۳۸۶، ۲۶۰). یکی از مورخان محلی عصر قاجار از زیبایی درختان و جویبارهای آن یاد نموده است (اردلان، ۲۰۰۵، ۷۱). در سنندج و دوره قاجار چهارباغی با یک عمارت بزرگ به نام چهارباغ خسروآباد ساخته شد (زارعی، ۱۳۸۱، ۱۶۱-۱۶۳). علاوه بر اینها باغی به نام گلستان در غرب چهارباغ خسروآباد وجود داشته که دقیقاً با نقشه طرح فرش گلستان منطبق است. نقشه باغ گلستان در سال ۱۸۵۱ میلادی توسط روس‌ها ثبت شده است (مهریار و دیگران، ۱۳۷۸، ۱۵۲). این دوره هنگامی است که الگوهای باغ و قالی با طرح چهارباغی در منطقه به هم گره خورده‌اند. چهارباغ‌هایی که در منطقه کردستان، کرمانشاه و بیجار شناسایی شده، حاکی از آن است که قالی‌های چهارباغی که به شمال غرب نسبت داده می‌شود، بی‌ارتباط و بی‌تأثیر از چهارباغ‌های قدیمی موجود در منطقه غرب ایران نبوده‌اند (تصویر ۶).



تصویر ۶: نقشه روس‌ها که باغ گلستان و خسروآباد را نشان می‌دهد (مأخذ: مهریار و دیگران، ۱۳۷۸، ۱۹۶).

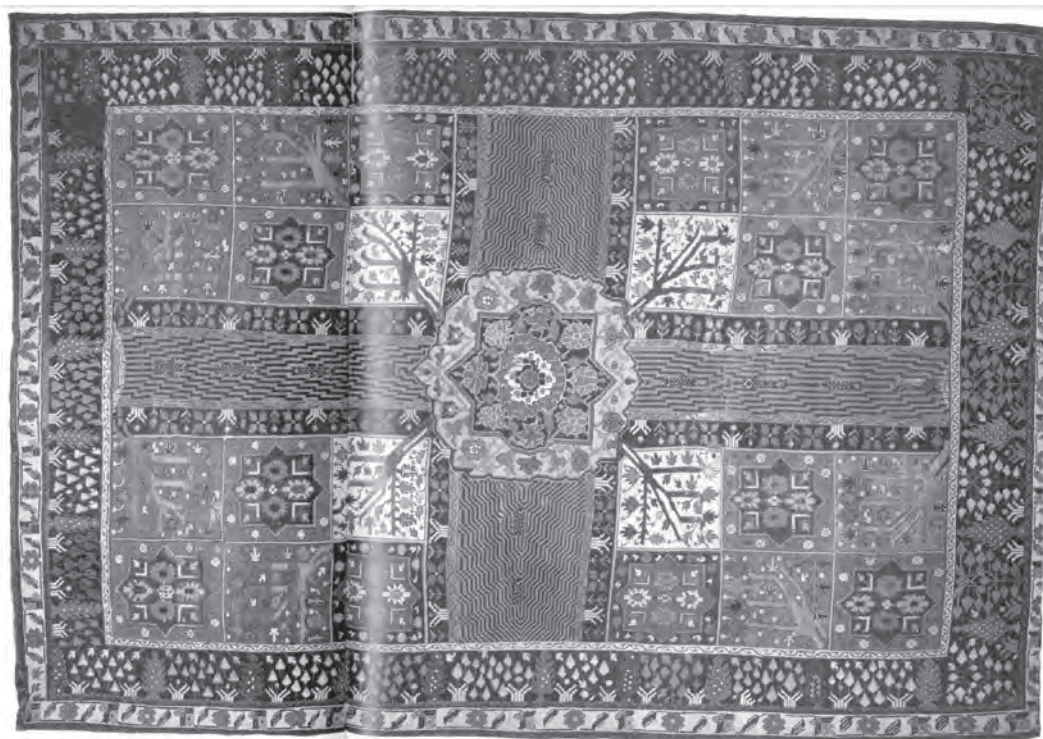


## پیشینه قالی‌های چهارباغی

می‌کند که آیا قالی چهارباغی ساسانیان از چهارباغ‌های مقابل کاخ تیسفون تأثیر پذیرفته است یا خیر. با توجه به شباهت‌های دلپذیر فرش و باغ، از دوره ساسانی نقاشان تصویرگر ترسیم نمودن منظره بهار با طراوت و پرگل را بر روی پرده‌های بزرگ نیز آغاز کرده بودند و پارچه‌هایی که در دوره‌های بعد بافته شده‌اند، طرح و نقش گل دارند (ویلبر، ۱۳۸۳، ۳۲). قالی‌ای که با قالی بهار خسروانی در دوره صفوی قابل مقایسه است در قرن هفدهم در غرب بافته شده است (تصویر ۷).

با توجه به نمونه‌های موجود به نظر می‌رسد قالی طرح چهارباغی در منطقه غرب ایران رایج بوده است؛ چرا که چهارباغ‌هایی که در منطقه کرمانشاه اعم از قصر شیرین، کاخ خسرو و بیستون در دوره ساسانی ساخته شده،

هرچند قدیمی‌ترین قالی را از نظر دوره تاریخی مربوط به زمان هخامنشیان می‌دانند، ولی از این امر که در این دوره فرش با طرح چهارباغی یا گلستان وجود داشته یا خیر آگاهی دقیقی در دست نیست. مورخان عرب اطلاعاتی درباره یکی مشهورترین نمونه قالی‌ها در تاریخ ایران در اختیار ما قرار داده‌اند، شاهکاری که از آن به «بهار خسروانی» یاد می‌کنند. این اثر شگفت‌انگیز فرشی در ابعاد بزرگ بوده است. فرش با تار و پود سیمین و زرین و زیورآلات و لعل بافته شده بوده است. هرچند نقش و نگار این فرش به‌طور دقیق مشخص نیست، ولی به درختان و گیاهان آن اشاره شده است. در طرح باغ‌های دوره ساسانی نشانه‌های خوبی وجود دارد که این پرسش را تداعی



تصویر ۷: قالی با نقشه چهارباغ که با نقشه قالی بهار خسروانی دوره ساسانی قابل مقایسه است (مأخذ: Penelope, ۲۰۰۴, ۶۲).

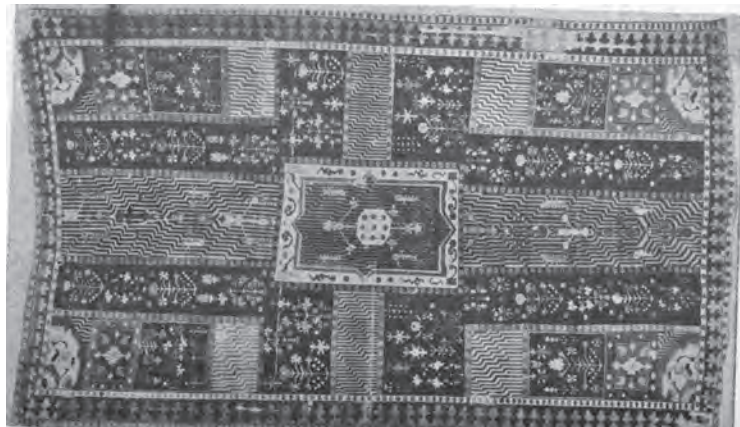
تداوم ایده و طرح قالی‌ها و باغ‌هایی است که هخامنشیان در هنگام کوچ خود از شمال غرب به سوی جنوب به پاسارگاد و سپس شوش با خود آورده بودند. دور از ذهن نیست که این طرح از طرح چهاربخش الهام گرفته شده باشد. طرح چهاربخش در قالی طرح چهارباغی نشانه چهار عنصر مقدس در پیش از اسلام یعنی آب، باد، خاک و آتش است. این طرح در قرآن و فرهنگ اسلامی نشانه چهار رودی است که جایگاه نیکان در بهشت را نوبت به نوبت با شراب، عسل، آب و شیر آبیاری می‌کنند. سایه‌های درختان این باغ و عطر دل‌انگیزشان سرمستی و لذتی را که به رستگاران و وعده داده شده تداعی می‌کند. اگر چه، شاید برخی با این فرضیه موافق نباشند اما طرح ساده باغ‌های چهارگانه ایرانی موسوم به چهارباغ بر روی قالی نمی‌تواند به پیش از قرن دهم هجری قمری / شانزدهم میلادی برسد. مبنای این نظریه این است که نمونه‌ای از قالی‌های پیش از این تاریخ در دسترس نیست (ایوپورتر، ۱۳۸۳، ۲۲-۲۳) که البته خود امری طبیعی است. شاید این نظر صحیح باشد که نمونه‌های قالی‌های دارای طرح چهارباغی پیش از عصر صفوی باقی نمانده، ولی چنین پدیده‌ای نمی‌تواند باطل‌کنندی از این نظر باشد؛ چرا که پژوهش‌های باستان‌شناسی در سایت‌های تاریخی می‌تواند کمک قابل توجهی به این فرضیه نماید که قالی‌هایی نیز با چنین مشخصاتی وجود داشته‌اند. در واقع قالی‌هایی که پردیس را تداعی می‌کنند، بیشتر همین «فرش-باغ‌ها» هستند، نه فرش شکارگاهی عصر صفوی. مؤید این نظر قالی‌هایی است که در شمال غرب ایران یافت شده‌اند. در زمان شاه عباس بود که تهیه قالی با نقش و نگار گلی معمول گردید. این قالی را به این دلیل چهارباغ می‌نامیدند که تقسیم عادی باغ را به چهار بخش منعکس می‌سازد. این تقسیم‌بندی به محورهای اصلی و فرعی مربوط

است (ویلبر، ۱۳۸۳، ۳۲). تعداد قابل ملاحظه‌ای از قالی‌های دارای طرح باغ را می‌توان در میان مجموعه‌های خصوصی و عمومی یافت. عده معدودی از آنها به قرن هفدهم میلادی / یازدهم هجری و تعدادی زیادی تر به قرن هیجدهم میلادی / دوازدهم هجری و اوایل قرن نوزدهم میلادی / سیزدهم هجری تعلق دارند، و نمونه‌های قالی‌های دوران اخیر که بیشتر آنها روش و سبک خاصی به خود گرفته‌اند. از این میان می‌توان به یک قالی متعلق به موزه متروپولیتین نیویورک اشاره کرد که در اوایل قرن هفدهم میلادی / یازدهم هجری بافته شده در حالی که قالی دیگری هم هست که از آن قدیمی‌تر است (ویلبر، همان، ۳۲). این قالی یکی از طرح‌های چهارباغی است که می‌توان آن را مربوط به منطقه غرب دانست، چون از نظر طرح و نقش هم با نقوش قالی‌ها و چهارباغ‌های منطقه غرب قابل مقایسه است (تصویر ۸ تا ۱۰).

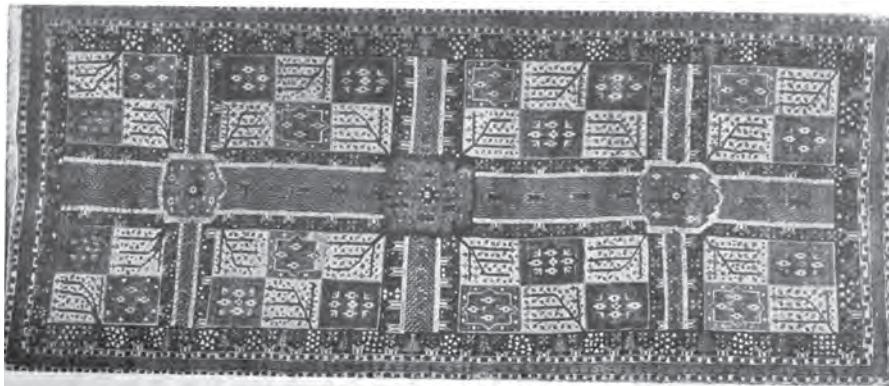
### چهار باغ و قالی چهارباغی در منطقه کردستان

قالی در کردستان همچون سایر نقاط ایران از سابقه‌ای قابل توجه برخوردار است. سابقه قالی کردی در کوچ‌نشینی و در گزینش طرح و تزئین قالی بسیار دیرین است. همچنین غالباً می‌توان طرح‌های ویژه‌ای را هر یک از طبقه‌بندی‌های این قالی‌ها مشاهده نمود که با محل اقامت موقت‌شان ارتباط ویژه‌ای دارد. برخی از طرح‌ها نیز از قالی‌های دیگر اقتباس شده‌اند. این امر در مراحل نخست رخ داده است، سپس در مراحل بعدی در زیستگاه‌های شهری تغییراتی در طرح و رنگ حاصل گردید. دو مرکز مهم شهری قالی در کردستان بیجار و سنندج (سنه) بوده‌اند که بعداً ساوجبلاغ هم به آنها افزوده می‌شود. در این میان از دیرباز تاکنون دو شهر سنندج (سنه) و بیجار جایگاه خاصی در قالی‌بافی منطقه داشته‌اند. البته به‌خاطر دگرگونی در شرایط

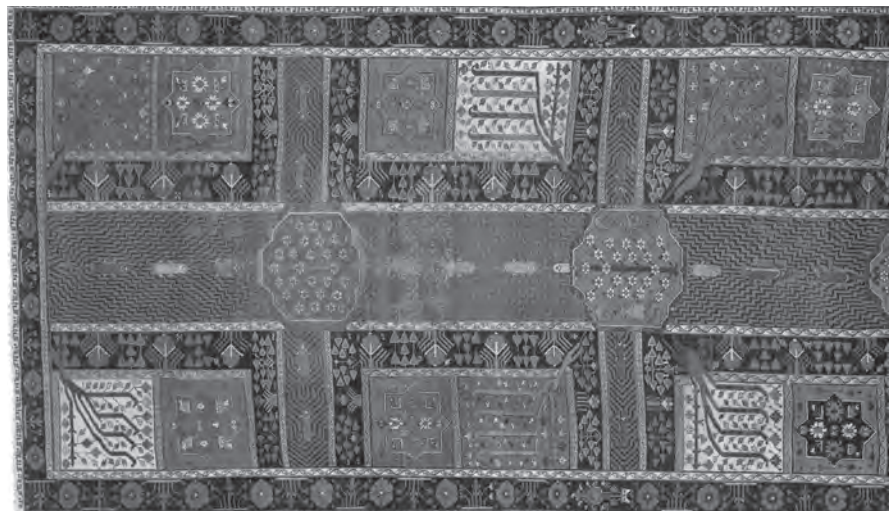




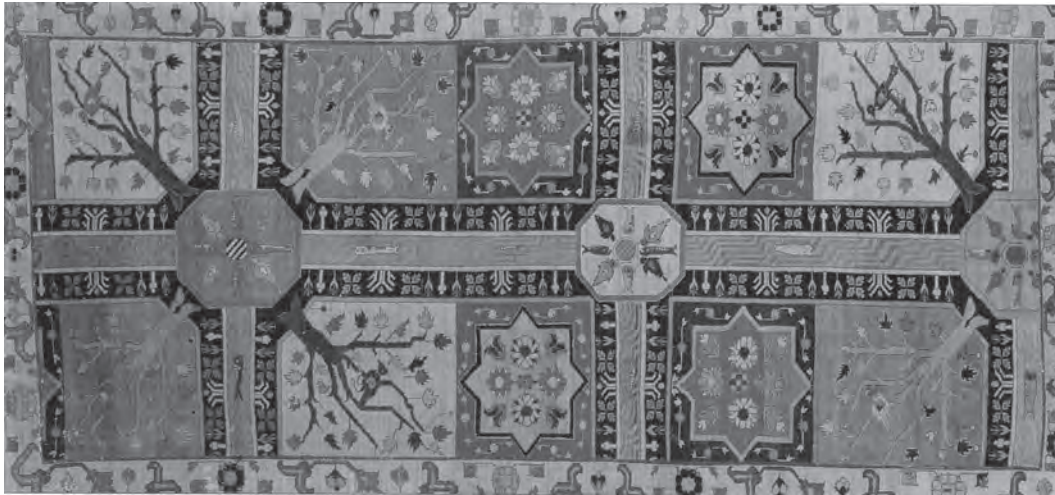
تصویر ۸: قالی با نقشه چهارباغ متعلق به اوایل قرن هیجدهم میلادی / دوازدهم هجری موزه متروپولیتن (مأخذ: ویلبر، ۱۳۸۳، ۳۵).



تصویر ۹: قالی بزرگ با نقشه گلستان قرن هیجدهم میلادی / دوازدهم هجری موزه متروپولیتن (مأخذ: ویلبر، همان، ۳۷).



تصویر ۱۰: قالی شمال غرب ایران، حدود سال ۱۷۰۰م/۱۱۱۳هـ ق مربوط به یک کلکسیونر در مک میلان که اکنون در موزه کمبریج قرار دارد. این قالی یادآور طرح چهارباغ‌های ایرانی است (مأخذ: جیمز، ۱۳۸۹، ۸). همین قالی توسط گروه تحت عنوان قالی شمال غرب ایران آمده و از آن به عنوان طرح مرسوم باغی یاد شده است (مأخذ: Grube, 1967, 148-49 wdpshj).



تصویر ۱۱: قالی بزرگ با طرح چهارباغ یا گلستان متعلق به قرن هجدهم میلادی موزه متروپولیتن (مأخذ: خوانساری، ۱۳۸۳، ۵۱).

و درختان و گیاهان در باغ‌های منطقه تأثیر پذیرفته‌اند. همان‌طور که اشاره شد، بخشی از نقوش فرش کردستان را نقوش و طرح‌های هندسی تشکیل می‌دهند. ترنج‌های لوزی شده که نشانگر همان آب‌نما در باغ است، ترنج‌های لوزی شکل و یا شش‌وجهی یا آویزهای پیکانی و همچنین لوزی‌های دارای موضوعات گیاهی استلیزه شده از این زمره‌اند.

فرش‌هایی بافته شده با طرح باغ و یا گلستان و موسوم به قالی‌های شمال غرب ایران دارای طرح چهارباغ و گلستان، با چهارباغ‌های منطقه کردستان در شهرهای بیجار و سنندج قابل مقایسه است، چرا که از دوره صفوی به بعد در این مناطق چهارباغ‌هایی شناسایی شده است (زارعی، ۱۳۸۳، ۵). این چهارباغ‌ها در بیجار به نام چهارباغ گروس، در شهر سنندج به نام چهارباغ‌های قدیم و خسروآباد شناخته شده‌اند. در این قالی علاوه بر نقش‌های هندسی، طبیعت‌گرایی در نقوش به‌ویژه در مورد درختان آشکارتر است (تصویر ۱۱).

زیست در طرح و نقش، ابعاد و اندازه نیز تغییراتی به‌وجود آمده است.

در این خصوص لازم است به موضوع طرح فرش بیجار اشاره نمود و تصریح نمود که فرش بیجار دارای طرح «میناخانی» است (هانگلدین، ۱۳۷۵، ۷۷). نقش‌هایی که نمونه‌های طرح آن از باغ گرفته شده، نقش «سروکوچک» یا «بته‌جقه» است که به‌صورت تکراری در اکثر قالی‌ها آمده است. این طرح در قالی سنه (سنندج) هم جایگاه مهمی دارد و به‌صورت تکرار در متن قالی مشاهده می‌شود و در نقشه‌ای به همین نام مرسوم و معمول بوده است. رنگ‌های مورد استفاده در قالی سنه و بیجار در آغاز تیره است، ولی به نظر می‌رسد که به‌تدریج از اواسط دوره صفوی طرح و رنگ‌ها بر پایه باورهای مذهبی دگرگونی می‌پذیرد و رنگ و طرح حال و هوای دیگری به خود می‌گیرد. این دگرگونی‌ها به‌ویژه طرح در نقوش اسلیمی و هندسی است. نقوش هندسی شده در سنه و نقوش اسلیمی و متمایل به آن در بیجار و به‌ویژه زمینه سفید از حیث رنگ از این ویژگی‌هاست. این رنگ‌ها از رنگ گل



قالی‌های بی‌شماری که در فاصله نیمه سده هیجدهم تا نیمه سده نوزدهم میلادی در کردستان بافته شدند، این ارتباط را تأیید می‌کنند. نقشه‌های گلستان و شکارگاه در ایران سابقه طولانی و ریشه در عصر مفرغ دارد (حصوری، ۱۳۷۶، ۲۴۹). این موضوع نشان می‌دهد که نقشه‌هایی با طرح چهارباغ و باغ گلستان به سراسر ایران انتقال یافته است. این شیوه در منطقه کردستان بنا به نوع بافته‌ها ماندگارتر شده است.

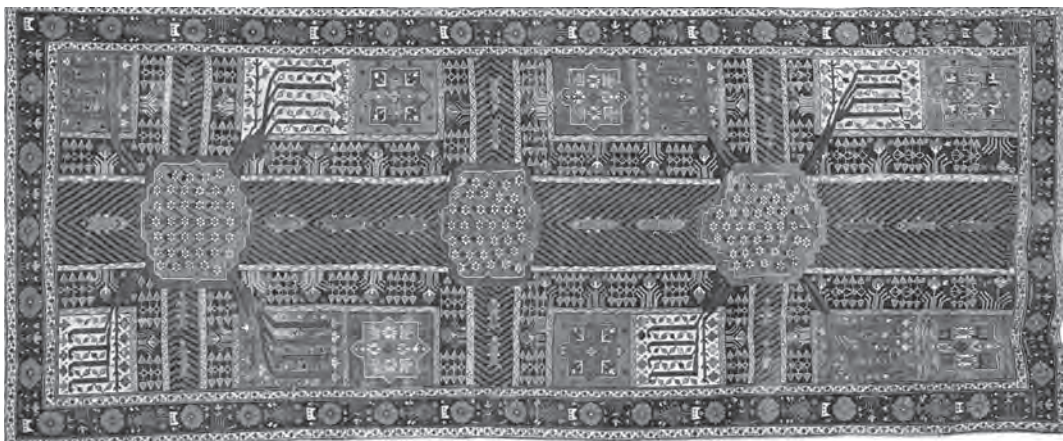
سنت قالی گلستان آشکارا در ساختمان مجموعه‌ای از طرح‌های بومی کردی نقش مرکزی ایفا کرده است. پوپ (۱۳۸۷، ۲۷۷۸) معتقد است منطقه ساوجبلاغ در سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی پیوندهای خوبی با این سنت دارد. تصور می‌شود که این شهر سرچشمه چند قالیچه کردی بسیار وابسته به یکدیگر و دارای نقش «گلستان» باشد که فرش «جالپور» با نقشه گلدانی را می‌توان نزدیک‌ترین سرمشق آنها تلقی کرد (یزدانجو، ۱۳۷۶، ۹۲). نمونه دیگر از قالی‌ها با طرح چهارباغ یا گلستان است که در موزه متروپولیتن قرار دارد. این قالی از نظر نقش و طرح و رنگ و عناصر ساختاری با باغ گلستان در شهر سنندج مطابقت می‌کند. به نظر می‌رسد که این بافته از باغ‌های گلستان در سنندج تأثیر پذیرفته و با بر آن‌ها تأثیر گذاشته باشد. این فرش از نظر نقش و عناصر با قالی بزرگ مورد اشاره ویلبر هم قابل مقایسه است (تصویر ۱۲).

کهن‌ترین نمونه انواع قالی‌های متعلق به کردستان که دارای طرح و نقشه با طرح گلستان است، احتمالاً قالی کامل طرح «چهارباغ» ابرکانوی محفوظ در کویت و چند قطعه فرش وابسته به آن است. این قالی یکی از معدود قالی‌هایی است که یادآور طرح باغ‌های گلستان یا چهارباغی است. در این قالی افزون بر تقسیم‌بندی خیابان‌کشی و جوی‌های آب و درختان، گونه درخت بید قابل توجه بوده و مورد تأکید قرار گرفته است. طراحی نقشه باغ در این قالی مشهور و قالی‌های دیگر به‌صورتی دقیق درآمده است. در وسط باغ دو آب‌نمای بزرگ همدیگر را قطع می‌کنند که ظاهراً آب آنها از آب‌نمای مستطیل شکل وسط باغ تأمین می‌گردد. آب‌نماهای فرعی کوچک‌تری به موازات آنها به کرت‌های مستطیل شکل متعددی آب می‌رسانند که در آنها درختان گل و پرشکوفه روئیده است. در آب‌نما ماهی‌ها شناورند و پرندگان بر

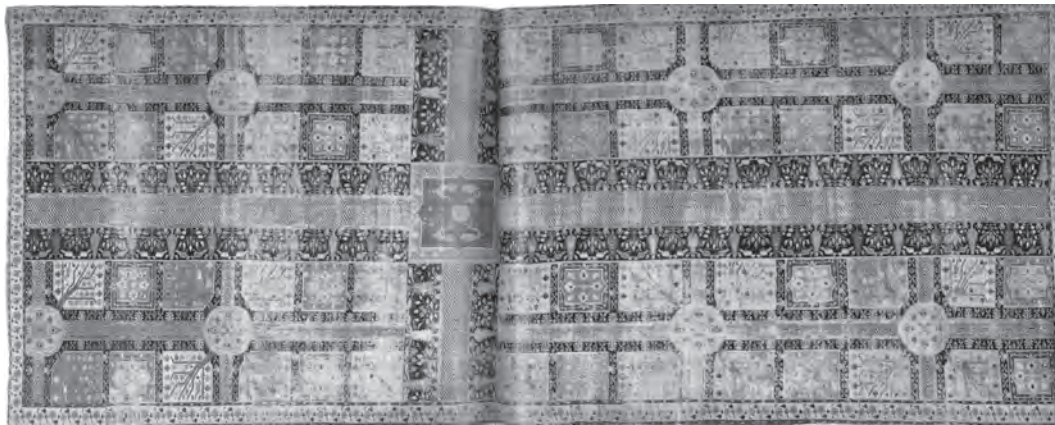
قالی‌های بی‌شماری که در فاصله نیمه سده هیجدهم تا نیمه سده نوزدهم میلادی در کردستان بافته شدند، این ارتباط را تأیید می‌کنند. نقشه‌های گلستان و شکارگاه در ایران سابقه طولانی و ریشه در عصر مفرغ دارد (حصوری، ۱۳۷۶، ۲۴۹). این موضوع نشان می‌دهد که نقشه‌هایی با طرح چهارباغ و باغ گلستان به سراسر ایران انتقال یافته است. این شیوه در منطقه کردستان بنا به نوع بافته‌ها ماندگارتر شده است.

سنت قالی گلستان آشکارا در ساختمان مجموعه‌ای از طرح‌های بومی کردی نقش مرکزی ایفا کرده است. پوپ (۱۳۸۷، ۲۷۷۸) معتقد است منطقه ساوجبلاغ در سده‌های هیجدهم و نوزدهم میلادی پیوندهای خوبی با این سنت دارد. تصور می‌شود که این شهر سرچشمه چند قالیچه کردی بسیار وابسته به یکدیگر و دارای نقش «گلستان» باشد که فرش «جالپور» با نقشه گلدانی را می‌توان نزدیک‌ترین سرمشق آنها تلقی کرد (یزدانجو، ۱۳۷۶، ۹۲). نمونه دیگر از قالی‌ها با طرح چهارباغ یا گلستان است که در موزه متروپولیتن قرار دارد. این قالی از نظر نقش و طرح و رنگ و عناصر ساختاری با باغ گلستان در شهر سنندج مطابقت می‌کند. به نظر می‌رسد که این بافته از باغ‌های گلستان در سنندج تأثیر پذیرفته و با بر آن‌ها تأثیر گذاشته باشد. این فرش از نظر نقش و عناصر با قالی بزرگ مورد اشاره ویلبر هم قابل مقایسه است (تصویر ۱۲).

کهن‌ترین نمونه انواع قالی‌های متعلق به کردستان که دارای طرح و نقشه با طرح گلستان است، احتمالاً قالی کامل طرح «چهارباغ» ابرکانوی محفوظ در کویت و چند قطعه فرش وابسته به آن است. این قالی یکی از معدود قالی‌هایی است که یادآور طرح باغ‌های گلستان یا چهارباغی است. در این قالی افزون بر تقسیم‌بندی خیابان‌کشی و جوی‌های آب و درختان، گونه درخت بید قابل توجه بوده و مورد تأکید قرار گرفته است. طراحی نقشه باغ در این قالی مشهور و قالی‌های دیگر به‌صورتی دقیق درآمده است. در وسط باغ دو آب‌نمای بزرگ همدیگر را قطع می‌کنند که ظاهراً آب آنها از آب‌نمای مستطیل شکل وسط باغ تأمین می‌گردد. آب‌نماهای فرعی کوچک‌تری به موازات آنها به کرت‌های مستطیل شکل متعددی آب می‌رسانند که در آنها درختان گل و پرشکوفه روئیده است. در آب‌نما ماهی‌ها شناورند و پرندگان بر



تصویر ۱۲: قالی ایرانی بافت منطقه غرب، احتمالاً مربوط به سال ۱۱۷۹ هـ.ق در موزه متروپولیتن، هدیه پیکرینک (مأخذ: داودی، ۱۳۸۲، ۱۰۲). این قالی در کتاب هنرهای ایران تحت عنوان قالی با طرح باغی منطقه شمال غرب ایران معرفی شده است (مأخذ: فربه، ۱۳۷۴، ۱۳۰).



تصویر ۱۳: قالی بزرگ ناقص کردستان سده دوازدهم هجری «لرد ابرکانوی» موزه ملی کویت اندازه ۲۵۷×۱۵۲ سانتی‌متر (مأخذ: پوپ، ۱۳۸۷، ۱۳۷۰). این قالی دارای طرح باغی یا گلستان است که با باغ گلستان سنندج قابل مقایسه است.

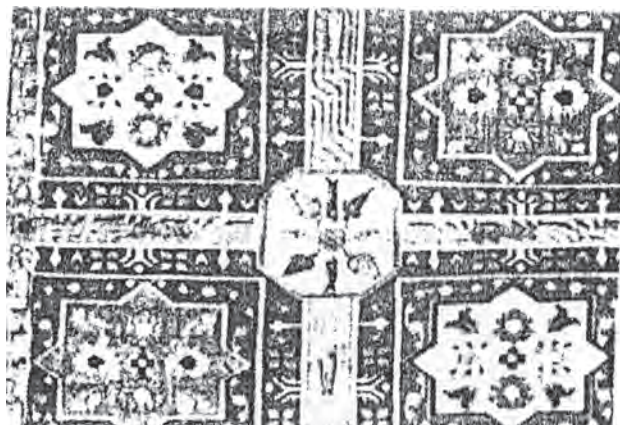
باغ‌ها دیده می‌شود نیز متجلی است. نمونه این نقش‌ها در چهارباغ خسروآباد سنندج دیده می‌شود. در یک نمونه یکتا از قالی‌های باغی کردستان که به اعتباری کهن‌ترین آنهاست، ماهی‌ها و چهار قوی بته مانند بر آن موج‌ها شناورند (تصاویر ۱۴ تا ۱۶).

در تمامی نمونه‌های قالی طرح چهارباغ در سده‌های یازدهم و دوازدهم هجری قمری ردیف‌های سرو منقش در کنار آب‌نماها و جویبارهایی رویده‌اند که به حوض-ترنج‌ها می‌پیوندند. اندیشه طراحی و نقش‌پردازی آن‌ها هم یکی است. قرار دادن مظهر خرمی جاویدان در نزدیکی آب که همه خرمی‌ها از اوست، در گذر زمان در روح اولیه قالی «گلستان» تحولی تدریجی ایجاد کرده است. قالی‌های «گلستان» اولیه سرچشمه نقشه‌ها و نقش‌مایه‌های بی‌شمارند، مثلاً اگر در آرایش طرح آنها دقیق شویم می‌توان وجود عناصری چند را مشخص کرد که پیش از این انتزاع شده و سپس با دگرگونی در روایت از خلال حساسیت فرهنگی متفاوت، در شماری از طرح‌های کلاسیک ایرانی جلوه‌گر می‌شود که کردهای شمال غربی ایران از آن استفاده کرده‌اند. حاشیه بیرونی بعضی از قالی‌های گلستان

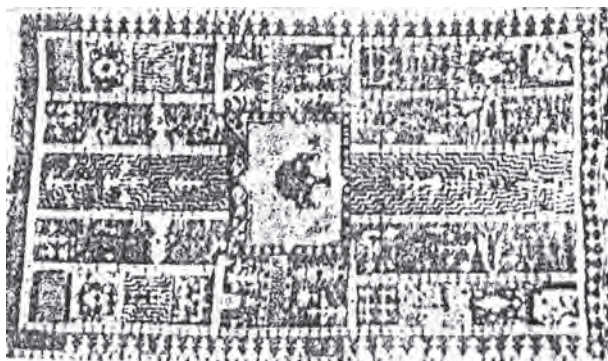
روی بوته‌ها به خوشی سرگرم‌اند. این همان نقشه قالی بهارستان خسروپرویز است که فقط سبزه‌زار کناره‌های آن را ندارد. و دلیلی وجود ندارد که در این باره تردید کنیم که چنین فرش‌های نمایانگر تداوم چنین سنتی است (پوپ، ۱۳۸۷، ۲۷۷۷) (تصویر ۱۳).

گونه دیگری از فرش گلستان که با اطمینان می‌توان آن را به کارگاه‌های استان کردستان پس از نیمه سده هیجدهم مرتبط دانست، شامل چند فرش و فرش‌پاره می‌شود که عناصر منفرد گل یا درخت آن‌ها در یک قاب مربع مستطیل محصورند. مشهورترین نمونه از این زمره شاید فرش کاملی باشد با زمینه آبی‌رنگ که در موزه هنر اسلامی برلین نگهداری می‌شود و در آن حوض و ترنج‌ها در همه قالی‌های گلستان حضور دارند (یزدانجو، ۱۳۷۶، ۹۳). در برخی قالی‌ها، در درون آب‌نماها فواره تصویر شده و در برخی دیگر نقش میان ترنج هشت‌گوشی است که نگاره‌ای هشت‌پر (مرکب از چهار ماهی و چهار مرغابی) گردگرد آن را فرا گرفته و این دقیقاً موضوع یادآور آب‌نماها در تقاطع چهارباغ‌ها است. این موضوع حتی در سنگ‌هایی که شبیه گرده ماهی در برخی از

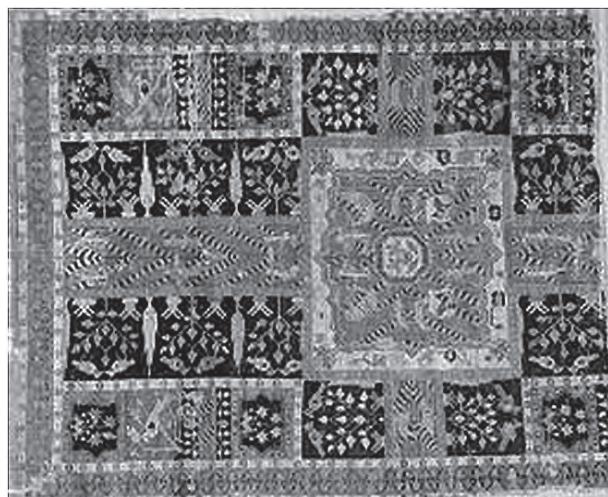




تصویر ۱۴: قالی چهارباغ کردستان، اواخر سده دوازدهم هجری، موزه هنرهای اسلامی برلین که در جنگ جهانی اول ناپدید شده است (مأخذ: یزدانجو، ۱۳۷۶، ۹۶).



تصویر ۱۵: بخشی از قالی کردستان، اواخر سده دوازدهم هجری در موزه هنرهای تزئینی پاریس (مأخذ: یزدانجو، ۱۳۷۶، ۹۶).



تصویر ۱۶: قالی چهارباغی کردستان اواخر سده یازدهم / اواخر سده دوازدهم هجری، موزه کراکو لهستان.

مثلاً در قطعه دیویس [۱] قالیچه کامل بالارد [۲] محفوظ در موزه هنری متروپولیتن نیویورک از نوع «مداخل» سه‌برگی است. به علاوه به روشنی می‌توانیم چهار درختی را که از میان ترنج‌های کوچک واقع بر محور مرکزی طرح رویده‌اند (تصویر ۱۳) را به درخت‌های طرح قالیچه‌های معروف به قاب‌قابی درختی کلاسیک وابسته بدانیم، که آنها نیز به‌طور سنتی به قالی‌های کردی شمال غربی ایران منتسب شده‌اند. این حرکت طرح‌ها به سمت شرق را می‌توان با نظر به کوچ قبایل کرد به منطقه خراسان توجیه کرد چرا که شاه عباس با کوچاندن قبایلی از کردها برای جنگ با ازبک‌ها، این طرح‌ها را به آن مناطق برده است. جالب اینجاست که برخی نقوش موجود در قالی گلستان که طراحی باغی است در قالی‌های منطقه خراسان پس از این دوره دیده نیز می‌شود (یزدانجو، ۱۳۷۶، ۹۵-۹۴) همچنین طرح معروف به بید مجنون که اغلب در قالی‌های سده نوزدهم و پیش از آن در منطقه بیجار نیز مشاهده می‌شود. بنابراین، نقش‌ها و طرح‌ها می‌توانند نمونه‌هایی آشکار از ارتباط قالی‌ها و طرح چهارباغ‌های منطقه باشند.

### ارتباط قالی چهارباغی و چهارباغ در کردستان

همانطور که بیشتر اشاره گردید، ارتباط بسیار نزدیکی بین قالی و باغ مخصوصاً قالی‌های طرح چهارباغی و چهارباغ‌های منطقه غرب به‌ویژه کردستان وجود دارد. برای اثبات این طرح و نظر به شرح مختصری از قالی‌های این منطقه اشاره می‌کنیم که تاکنون در موزه‌های دنیا شناخته شده‌اند و همه آنها منتسب به شمال غرب ایران هستند، و به این مسئله می‌پردازیم که چه ارتباطی میان آنها و چهارباغ وجود دارد و هر یک از آنها دارای چه ویژگی‌هایی هستند.

قالی چهارباغی که در موزه ویکتوریا آلبرت لندن

قرار دارد دارای ابعاد  $۳۷۶ \times ۲۶۷$  سانتی‌متر بوده و در قرن هیجدهم میلادی در شمال غرب ایران بافته شده است. این فرش با طرح ساختار باغ‌های منطقه کردستان نزدیکی و شباهت بسیار دارد. به‌ویژه با طرح چهارباغ خسروآباد در مقابل عمارت خسروآباد شهر سنندج قابل مقایسه است و همچنین می‌توان آن را با چهارباغ مقابل مجموعه آثار بیستون در کرمانشاه نیز مقایسه کرد. به نظر می‌رسد درختانی که در این قالی چهارباغی نقش شده‌اند درختان چنار و بیدی باشند که با درختان منطقه کردستان همخوانی دارند؛ حتی بعید به نظر نمی‌رسد نام بیجار احتمالاً ترکیبی از دو واژه بید و زار یا جار باشد، چون بید مجنون در اکثر قالی‌های قرن نوزدهم و پیش از آن مشاهده می‌شود. در این قالی‌ها بیشتر از نقوش به سبک هندسی استفاده شده است. در این فرش نیز همین‌طور است و این وضعیت در سایر قالی‌ها و طرح چهارباغ نیز پذیرفتنی است. از سویی این قالی چهارباغی را با سایر چهارباغ و طرح قالی چهارباغی در سایر نقاط و در مرکز ایران و به‌ویژه کرمان متمایز می‌کند چرا که سروهایی که در قالب نقوش اسلیمی هستند در قالی‌های طرح چهارباغی کرمان دیده می‌شود، در حالیکه سرو قالی‌های چهارباغی غرب و شمال غرب به‌سوی استلیزه و هندسی شدن گرایش یافته‌اند. در این حالت است که سرو به‌صورت تکراری در نقش و طرح بته جقه وجود دارد.

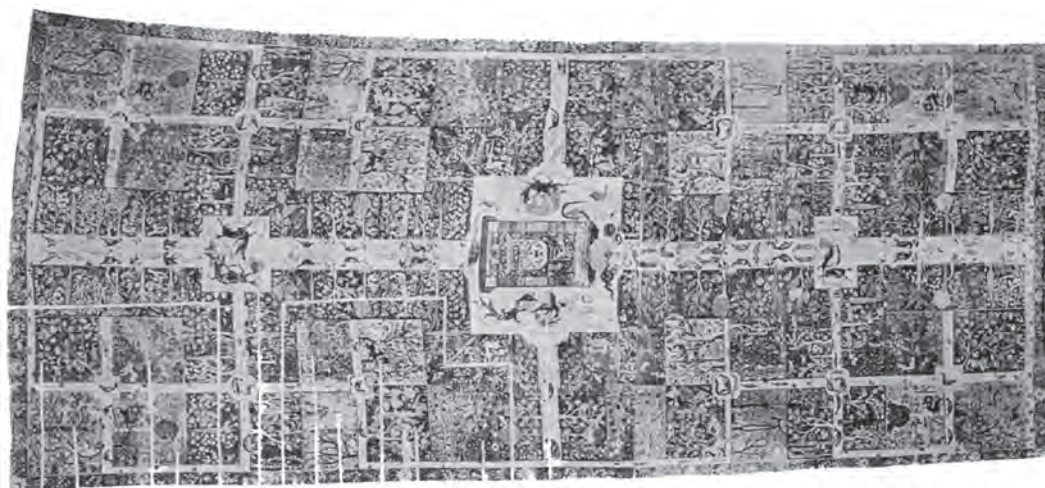
در قالی‌های چهارباغی از بید مجنون که در میان چهارباغ‌های منطقه نقش مهمی داشته، استفاده گردیده است. به نظر می‌رسد این قالی، شکل ساده شده قالی بهار خسرو است که به‌جای تلاش در ساده کردن طرح‌ها، یک باغ کامل با طرح ساده یک مدالیون ایجاد شده و چهار نهر آبی در آن دیده می‌شود که همچون چهارباغ است (Ford, 1989, 146). بعید به نظر نمی‌رسد این قالی‌ها هم با الهام

از بهار خسرو بافته شده باشند، چون داستان شیرین و فرهاد و به‌ویژه خسرو و شیرین به‌عنوان داستانی رایج در فرهنگ عامه منطقه جایگاهی ویژه داشته است (تصویر ۱۷ و ۱۸).

نقش قالی‌های چهارباغی، ردیف سروها در دو سوی جوی محور اصلی است. علاوه بر این، نقشی که در طرح بید مجنون وجود دارد همان نقشی را ایفا می‌کنند که درختان بید کاشته شده در بخش خیابان‌های چهارگانه،



تصویر ۱۷: بخشی از قالی باغی مربوط به منطقه غرب ایران، ابعاد ۳۷۰×۸۴۰ سانتی‌متر، این قالی در موزه جاییور قرار دارد (مأخذ: Ford, 1989, 145).



تصویر ۱۸: قالی بافت کرمان ربع نخست سده هفدهم میلادی، ۳۷۵×۸۷۵ سانتی‌متر، موزه مرکزی جاییور (مأخذ: بلیر و بلوم، ۱۳۸۱، ۴۶۸).



چهارباغ و تقسیم‌بندی‌های چهارباغ قابل مشاهده است. نقش‌مایه تزئینی حاشیه نیز نمودی از نقش خندق بوده و در برخی از چهارباغ‌ها نشانه برج و بارو است.

### نتیجه‌گیری

باغ، چهارباغ و فرش باغی با فرهنگ و تاریخ ایران درآمیخته است. مستندات موجود نشان می‌دهد که چهارباغ و قالی دارای طرح چهارباغی یا گلستان در غرب ایران و به‌ویژه در منطقه کردستان دارای پیشینه‌ای کهن است. نمونه‌های شاخصی که اکنون در منطقه غرب از چهارباغ موجود است و قالی‌هایی که در آن منطقه بافته شده این فرضیه را تقویت می‌کند که این شیوه طراحی چهارباغ و قالی‌های باغی از اسلوبی خاص پیروی نموده که عبارت است از توجه به طراحی و ساختار تقسیمات چهارگانه در باغ‌سازی. آنچه که در این سبک اهمیت دارد، گرایش به طبیعت در بیرون و طراحی و اجرای قالی باغی در داخل خانه است.

آثار موجود برقراری ارتباط با عناصر طبیعی که اساس زندگی بوده را نشان می‌دهد. از سویی این سنت‌ها تا پیش از دوره معاصر با توجه به اوضاع جغرافیایی و ساختار طبیعی در کردستان، همچون بسیاری از سنت‌های کهن ایرانی دیگر پایدارتر از سایر نقاط برجا مانده‌اند. این بخش از کشورمان را می‌توان ذخیره‌گاه فرهنگی ایران محسوب نمود چرا که دیرتر از سایر نقاط به دگرگونی در طراحی و ساخت باغ و قالی دست‌یازیده‌اند.

نکته پایانی این‌که چهارباغ و قالی‌های طرح باغی معمولاً به دستور و سفارش کسانی ساخته و بافته شده که در مصدر امور مناطق بوده و ارتباط نزدیکی با سایر نقاط کشور داشته‌اند. نتیجه این ارتباط گسترش این‌گونه نقش‌پردازی‌ها بوده است.

### پی‌نوشت‌ها

1. Davis

2. Ballread

### فهرست منابع

۱. اردلان، مستوره (۲۰۰۵) *تاریخ الاکراد*، به کوشش جمال احمدی آیین، اردبیل: آراس.
۲. استروناخ، دیوید (۱۳۷۱) «شکل‌گیری باغ سلطنتی پاسارگاد و تأثیر آن باغ‌سازی ایران»، ترجمه کامیار عبدی، *فصلنامه علمی ترویجی اثر*، شماره ۲۲ و ۲۳، سازمان میراث فرهنگی کشور، صص. ۵۴-۷۵.
۳. استروناخ، دیوید (۱۳۷۸) *پاسارگاد*، ترجمه حمید خطیب شهیدی، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۴. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۰) *مرآت‌البلدان*، به کوشش: میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.
۵. بلیر، شیلا و جاناتان بلوم (۱۳۸۱) *هنر معماری اسلامی*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: سمت.
۶. پوپ، آرتور ابهام (۱۳۸۷) *سیری در هنر ایران از دوران پیش از تاریخ تا امروز*، ترجمه: گروه مترجمان، زیر نظر سیروس باور، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۷. پورتر، ایر (۱۳۸۳) «باغ‌های بهشتی و فرش‌های باغی، دیدار استعاره‌ها»، *مجله موزه‌ها، ویژه‌نامه باغ ایرانی*، شماره ۴۱، دوره جدید شماره بیستم، شماره پیاپی چهل و یکم، صص. ۲۳-۲۲.
۸. جیمز، دیوید (۱۳۸۹) *مقدمه‌ای بر هنر اسلامی*، ترجمه و نقد کتاب: محمد ابراهیم زارعی، همدان: دانشگاه بوعلی سینا.
۹. حشمتی رضوی، فضل‌الله (۱۳۸۷) *تاریخ فرش سیر تحول و تطور فرش بافی ایران*، تهران: سمت.
۱۰. حصوری، علی (۱۳۷۶) «باغ مینوی فردوس و طرح قالی ایرانی»، *ماهنامه فرهنگی هنری کلک*، مرداد و آذرماه



- ۱۳۷۶، شماره ۸۹-۹۳، صص. ۲۴۷-۲۵۹.
۱۱. خوانساری، مهدی و دیگران (۱۳۸۳) *باغ ایرانی* بازتابی از بهشت، ترجمه مهندسین مشاور آرآن، تهران: سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، دبیرخانه همایش بین‌المللی باغ ایرانی.
۱۲. داودی، نادر (۱۳۸۲) *آثار ایران در موزه متروپولیتن*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۳. زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۱) *سیمای میراث فرهنگی کردستان*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۱۴. زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۳) «چهارباغ قدیم و چهارباغ خسروآباد سنندج»، همایش باغ ایرانی (مهرماه سال ۱۳۸۳).
۱۵. زارعی، محمد ابراهیم (۱۳۸۶) *تغییر و تحولات شهر سنندج در دوران صفوی و قاجار از دیدگاه مطالعات باستان‌شناختی*، رساله دکتری گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تهران.
۱۶. فریه، ر. دبلیو (۱۳۷۴) *هنرهای ایران*، ترجمه پرویز مرزبان، تهران: مجموعه هنر.
۱۷. مهریار، محمد، شامیل فتح‌الله، فخاری تهرانی، فرهاد و قدیری، بهرام (۱۳۷۸) *اسناد تصویری شهرهای ایران در دوره قاجار*، تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور و دانشگاه شهید بهشتی.
۱۸. نعیم، غلامرضا (۱۳۸۷) *باغ‌های ایران*، تهران: پیام.
۱۹. هانگلدین، آرمن (۱۳۵۷) *قالی‌های ایرانی، مواد و ابزار، سوابق نقوش، شیوه‌های بافت*، ترجمه اصغر کریمی، تهران: فرهنگسرای یساولی.
۲۰. ویلبر، دونالد. ن (۱۳۸۳) *باغ‌های ایران و کوشک‌های آن*، ترجمه مهین‌دخت صبا، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۱. یزدانجو، لاله (۱۳۷۶) *نقش در فرهنگ و هنر کردستان*،



فصلنامه  
علمی - پژوهشی  
انجمن علمی  
فرش ایران  
شماره ۱۹  
تابستان ۱۳۹۰